

۲- سیاست مذهبی پهلوی دوم از منظر امام خمینی:

اصولاً تربیت و فرهنگ یک فرد در تمامی شئون زندگی او تأثیر می‌گذارد حال که با سیاستهای فرهنگی محمدرضا آشنا شدیم خوب است که توجهی هم به سیاستهای مذهبی وی کنیم که این سیاستها همگی در راستای حذف دین و نابودی آن از امور اجتماعی مردم بوده است.

تظاهر مذهبی:

«مگر محمدرضا نمی‌گفت من مسلمانم قرآن هم طبع می‌کرد خدمت حضرت رضا هم می‌رفت و می‌ایستاد و برایش زیارتنامه هم می‌خواند و نماز هم می‌خواند و همه این کارها را می‌کرد اما نبود این طور.»^۱

«ما در این زندگی خود در این انقلاب اسلامی چیزهایی دیده‌ایم و قبل از آن صحنه‌هایی دیده بودیم باور نکردنی و شگفت‌انگیز از دوره افتادن رضاخان در تکاپا و شمع روشن کردن تا قرآن طبع نمودن محمدرضا و احرام بستن حج.»^۲

تبلیغات علیه روحانیت:

«مسلمین آگاه باشید اسلام در خطر کفر است مراجع و علمای اسلام محصور و بعضی محبوس هستند دولت امر داد حوزه‌های علمیه را هتک کنند و طلاب بی‌پناه را کتک بزنند و بازار مسلمین را غارت کنند و در و پنجره مغازه‌ها را بشکنند.

در تهران حضرت آیت‌الله خوانساری و حضرت آیت‌الله بهبهانی را در محاصره شدید قرار دادن و عده‌ای از علمای محترم و وعاظ معظم را محبوس نمودند و ما از آنها به هیچ وسیله نمی‌توانیم اطلاع پیدا کنیم اراذل و اوباش را تحریک می‌کنند که به علما و روحانیون اهانت کنند آقایان طلاب و مبلغین را مانع می‌شدند که برای تبلیغ اسلام در نواحی ایران بروند و تبلیغ احکام کنند با ما معامله بردگان قرون وسطی می‌کنند که به خدای متعال من این زندگی را نمی‌خواهم»^۳ «انی لا اری الموت الاسعاده و لا الحیوه مع الظالمین الا بر ما»^۳

۱ همان، جلد ۸ ص ۸۶

۲ همان، جلد ۱۶ ص ۱۸۰

۳ ابو محمد حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، به ترجمه علی‌اکبر غفاری، کتابفروشی اسلامیة، ص ۱۷۴

من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم کاش مأمورین بیایند و مرا ببرند تا تکلیف نداشته باشم فقط جرم علمای اسلام و سایر مسلمین آن است که دفاع از قرآن و ناموس اسلام و استقلال مملکت می‌نمایند و با استعمار مخالفت دارند این است حال ما تا آقای علم و ارسنجانی چه بگویند.»^۱

«در زمان محمدرضا و در اوایل نهضت یک وقتی در یکی از کلامش گفت که این معممین روحانیون می‌خواهند که مملکت برگردد به حال سابق حتی کسی سوار اتومبیل هم نشود سوار طیاره هم نشود اینها با این هم مخالفاند اینها می‌خواهند مثل همان سابق مثلاً با الاغ این طرف و آن طرف بروند همان وقتی بود که یکی از مراجع با طیاره رفته بودند به مشهد همان وقت هم ایشان همین حرف را می‌زد که ما هم بالای منبر گفتیم همین حرفی که این می‌زند الآن بعضی از مراجع با طیاره رفتند به مشهد چطور این حرف را می‌زند روحانیت با فساد مخالفت است نه با تمدن»^۲

تبلیغ جدایی دین از سیاست

«یک نقشه دیگری که قبلاً هم کشیده بودند و در عرض همین هم بود و توسعه‌اش دادند که ما هم اهل علم الا البته یک نادری باورشان آمده بود که باید اینجوری باشد و او اینکه معممین را از سیاست جدا کنند مجالسی که تشکیل می‌شود و اهل علم در آنجا می‌خواهد صحبت بکند نباید راجع به سیاست صحبت کند آن قدر راجع به این معنا که «آخوندها را به سیاست چه؟» ترویج کرده بودند که علما هم بسیاری از آنها باور کرده بودند و اگر یک کلمه‌ای گفته می‌شد می‌گفت: این سیاست است به ما ربطی ندارد.»^۳

حمایت از روحانیون درباری:

«اینها از فقه‌های اسلام نیستند و بسیاری از اینها را سازمان امنیت ایران معمم کرده تا دعا کنند اگر در اعیاد و دیگر مراسم نتوانست به زور و جبر ائمه جماعت را وادار کنند که حضور یابند از خودشان داشته باشند تا «جل جلاله» بگویند اخیراً لقب «جل جلاله» به او (شاه) داده‌اند اینها فقها نیستند شناخته شده‌اند مردم اینها را می‌شناسند در این روایت است که از این اشخاص بر دین بترسند اینها دین شما را از بین می‌برند اینها را باید رسوا کرد تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند ساقط شوند اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند امام زمان را ساقط می‌کنند اسلام را ساقط می‌کنند.»^۴

تغییر تاریخ اسلامی کشور:

۱ روح‌الله خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۱ ص ۵۲
 ۲ همان، جلد ۷ ص ۲۶۹
 ۳ همان، جلد ۱۵ ص ۱۴۴
 ۴ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ولایت فقیه، چاپ اول بهار ۱۳۷۳ ص ۱۳۶

«شما ببینید چه جنایت بزرگی است در تمام جنایتهایی که این مرد کرده است همه خیانتهایی که این مرد کرده است از دادن نفت ما به خارج، از خراب کردن وضع زراعت ما، از خراب کردن فرهنگ ما از دست دادن حیثیت نظام ما همه اینها را یک طرف بگذارید قضیه تغییر تاریخ را در یک طرف بگذاریم. تغییر تاریخ اسلام به تاریخ گبرها شما اگر در یک طرف ترازو بگذارید خیانتهای این آدم را و جنایتهای این آدم و همه چیزهای دیگری که از دست داده ایم ما به واسطه این در یک طرف بگذارید این اهمیتش بیشتر است و گمان نکنید که اگر ملت مهلتش داده بود قدم همین قدم بود این همین است که زرتشتیها به حسب آن زمانها زرتشتیها نوشتند به او که تاکنون کسی پیدا نشده (به شاه نوشتند) تاکنون کسی پیدا نشده است که به اندازه شما به مذهب ما خدمت بکند به مذهب زرتشتیها آتش پرستها خدمت بکند این قدم اولش بود که تاریخ را تغییر داد قدمهای دیگری داشت که بحمدالله ملت توی دهنش زد حتی تاریخ را هم برگردانید به نحو اول.»^۱

رواج فساد و فحشا

«این رژیم و این حکومت حکومتی است که می خواهد که این جوانهای ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوانها را از دانشگاهها بکشند به میخانهها و به کارهای زشت و بد.»^۲

عبدالعظیم ع. خواهران

۱ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ولایت فقیه، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳ ص ۵۹۱
 ۲ معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول ۱۳۷۹ ص ۲۰